

اهداف و آرمان های شهید مزاری

□ حمید زکی

وفاداری و حمایت های بی دریغ مردمی در دوران جهاد و مقاومت، حضور تاریخی مردم در مراسم تشییع و برپایی صدها محافل بی نظیر در سوگ آن شهید شاهد زنده و گویا بر این گفته است. آری، شهید مزاری مرد شگفت انگیز تاریخ است. شخصیت او را باید از دشمنانش شناخت، دشمنانی که به او مهلت ندادند و با نیزنگ و قساوت او را همراه یاران فداکارش مظلومانه به شهادت رساندند.

برای شناخت شهید مزاری نیز باید چهره سیاه طالبان را شناخت، طالبانی که نخستین بار با تیر قساوت و بی رحمی، نخستین بار مزاری و یارانش را در افغانستان نشانه گرفتند و پس از شهادت او حتی مرقدش را در مزار هم تحمل نتوانستند و وحشیانه مرقد آن شهید را با خاک یکسان کردند. برای شناخت مزاری باید طالبانی ها را شناخت، همان هایی که مردم افغانستان را قتل عام و غارت کردند و آشکارا حقوق بشر را در طول حاکمیت جابرانه خویش نقض کردند و در فرجام به عنوان سردمدار تروریسم در جهان ظاهر شدند و جامعه جهانی را به ستوه آوردند و همین است که تعرف الاشیاء باضدادها. آنچه به شهید مزاری ویژگی های شگفت انگیز

شهید مزاری همه ویژگی های اعجاب انگیز و صفت های برجسته و کم نظیر را در خود جمع کرده بود و تمام برجستگی های شگفت انگیز یک انسان پیشتاز و وارسته در عرصه جهاد و دفاع از کشور و در دوران پس از پیروزی و سال های مقاومت در غرب کابل یکی پس از دیگری در او روز به روز تجلی می کرد. تاریخ سیاسی و مبارزاتی ۱۳۹۴ افغانستان، افرادی همانند شهید مزاری را کمتر سراغ دارد. او مردی بود شجاع، باصلابت، دارای عزت نفس و اراده قوی، نیرومند و تحول آفرین، نستوه و بردبار، فداکار و صادق، وفادار و متعهد، پارسا و پاک، قانع و بی آرایش، پرکار و دارای وسعت نظر، دقیق و باریک بین، مدیر و مدبر، مؤمن به هدف و معتقد به هدف و معتقد به سخن و گفته های خویش. او رهبری بود که به مردمش عشق می ورزید و به آرمان و راهش باور داشت و در راه اهدافش پا می فشرد و از منافع و مصالح مردمش پاسداری می کرد و به همین جهت توانسته بود دژی محکمی از اعتماد و حمایت مردم چه در دوران دفاع و مقاومت و چه در مرحله بعد از شهادت به وجود بیاورد.

بخشیده است، بی‌گمان اهداف و آرمان‌های آن شهید والامقام است. اهداف و آرمان‌های شهید مزارى برخاسته از باور و ایمان و جهانی‌بینی او بود. اهداف و آرمان‌های او همان آرمان‌های دیرینه مردم پابره‌نه و شلاق‌خورده ما بود که در طول تاریخ زیر ضربات شلاق تبعیض و ستم قرار داشتند. بجا است که به بهانه بیست‌وششمین سالروز شهادت آن رهبر فقید آرمان‌ها و اهداف بزرگ او را یک‌بار به بازخوانی بگیریم تا هرچه بیشتر نسل‌های آینده کشور ما به اهداف و آرمان‌های او بیشتر آشنایی پیدا کنند. در این مختصر سعی شده است تا به بخشی از اهداف و آرمان‌های آن رهبر فقید به‌طور گذرا اشاره شود.

۱. حکومت فراگیر

حکومت فراگیری از اهداف و آرمان‌های سترگ رهبر مقاوم، شهید عبدالعلی مزارى بود. او پس از پیروزی مجاهدان بر اردوی تا به دندان مسلح شوروی سابق و شکست کامل آخرین بقایای رژیم انحطاطی کمونیستی، امیدوار بود که حکومت «عدل اسلامی» توسط مجاهدان تشکیل شود و در پرتو «نظام اسلامی» حقوق ملیت‌های محروم تأمین شود و با رویکرد مجاهدین به نظام و ساختار دینی، تمام رنج‌ها و مشقت‌های جانکاهی که مردم در طول مقاومت دیده بودند پایان یابد و دوران ستم و حق‌کشی‌ها به پایان برسد.

رهبر شهید قبل از پیروزی و بعد از پیروزی بارها در گفتارها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود به آن اشاره و تأکید کرده است که به عنوان نمونه به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود. شهید مزارى در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۶ در مصاحبه با خبرنگار جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «ارزیابی ما از مسئله این است که این رنج و مشقتی را که این مردم در طول چهارده سال کشیده بودند امروز خاتمه پیدا کرد... ما برای مردم خود پیام می‌دهیم که مطمئن باشند، امنیت‌شان اعم از مالی و جانی تأمین شده است و ظلم دیگر به آخر رسید و تمام شد و یک «حکومت عدل اسلامی» که تأمین‌کننده حقوق همه ملیت‌های محروم در طول تاریخ افغانستان باشد، تشکیل و از طرف مجاهدین اعلام خواهد شد» (غفاری لعلی، ۱۳۷۳: ۷ و ۸).

در جای دیگر می‌فرماید: «در افغانستان يك حکومت کمونیستی مورد حمایت همه‌جانبه روسیه به وجود آمد که با تمامی موجودیت دینی و مذهبی و عنعنات اسلامی ما مخالف بود. ما جهاد را آغاز کردیم تا اولاً این حکومت ملحد را از بین ببریم و تجاوز روس‌ها را سرکوب کنیم و ثانیاً يك حکومت اسلامی که منافع همه مردم ما را تأمین کند و عدالت اجتماعی را تحقق بخشد و حقوق پایمال شده کلبه ملیت‌های مظلوم و محروم جامعه را اعاده کند، در افغانستان به وجود آوریم» (همان، ۳۰). رهبر شهید در مصاحبه با آژانس خبری ایتالیا به تاریخ ۱۳۷۱/۹/۲۵ گفت: «هدف ما تشکیل يك حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است. ما می‌خواهیم ستم‌های چندین قرن بر مردم افغانستان پایان یابد و جامعه‌ای به وجود آید که در آن از تبعیض، برتری‌جویی، تفاخر و افزون‌خواهی خبری نباشد و کلیه مردم افغانستان از هر قوم و نژاد و با هر رنگ و زبان برادرانه و برابر زندگی کنند و حقوق حقه تمامی ملیت‌های افغانستان تأمین شده و آن‌ها بتوانند متناسب با میزان حضور و نقش‌شان در جهاد چهارده ساله ضد روسی در تعیین سرنوشت سیاسی‌شان سهم بگیرند» (همان، ۶۸).

رهبر شهید در تاریخ ۱۳۷۲/۹/۱۵، در مصاحبه با خبرنگار فرانس پرس، گفت: بالاترین مجروح، بالاترین شهید و بیش‌ترین خرابی‌ها را در دنیا کشور ما متحمل شده است... ما بنیادگرا نیستیم؛ ولی اگر بنیادگرایی به این معنی باشد که ما مسلمان هستیم و غیر از اسلام چیزی دیگر را قبول نداریم. تحقق حکومت اسلامی برای شهید مزارى به اندازه‌ای مهم بود که به صراحت گفت: برادران! آینده‌نگر باشید. شما برای خدا قیام کردید و تا حکومت فراگیر و عدالت اجتماعی طبق موازین اسلامی تحقق پیدا نکرده سلاح‌تان را به زمین نگذارید (همان، ۲۷۹). رهبر شهید در موارد زیادی از «حکومت اسلامی» و «نظام دینی» سخن به میان آورده است (همان، ۲۷۹) و این مختصر گنجایش بسط و تفصیل بیش از این را ندارد.

۲. عدالت اجتماعی

عدالت یکی از آرمان‌های دیرینه بشریت است و در اسلام جایگاه خاصی دارد و بر آن تأکید فراوان شده است، تا جایی که عدالت و احسان مورد دستور صریح خداوند قرار گرفته است و با تأکید فراوان فرموده است که «خداوند به عدالت و احسان امر می‌کند» چنانکه در سوره نحل آمده است: «ان الله يأمر بالعدل والاحسان وابتاء ذی القربى وینهى عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذكرون». خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند. خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر می‌شوید (همان، ۲۷۹) و مسلمانان را اعتقاد بر آن است که خداوند هر چیزی را در موضع خود قرار داده است، در هستی کم‌ترین انحرافی وجود ندارد و جهان بر عدل استوار است. شعاع تابناک عدالت باید زندگی انسان را روشن بسازد و بشریت را رویکرد به عدالت و تکیه بر اصل توحید و یکتاپرستی زنجیر استبداد و بردگی را پاره کند و با تحکیم پایه‌های عدالت اجتماعی، بنیان ستم و تبعیض و تجاوز را فروریزد.

شهید مزاری بر اساس باورهای اعتقادی و جهان بینی الهی خویش بر استقرار «عدالت»، «تحکیم عدالت اجتماعی» در افغانستان تکیه داشت و بر آن معتقد بود. او راه حل بحران افغانستان را در گرو «تحکیم عدالت» می‌دانست (همان، ۲۹۵) و تأکید می‌کرد: ما از حکومتی ۱۳۹۴

حمایت می‌کنیم که عدالت اجتماعی را مدنظر داشته باشد (همان، ۲۳۳) و به صراحت می‌گفت، هدف ما از جهاد چهارده ساله، تشکیل حکومت اسلامی، مردمی، فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است که در پرتو او ستم‌های چندین قرنه بر مردم افغانستان پایان یابد (همان، ۶۸) و حقوق همه مردم افغانستان به تناسب نفوس و میزان حضورشان در حیات سیاسی - اجتماعی کشور تأمین شود (خبرنامه وحدت، ۱۳۷۱) و امیدوار بود که روزی «عدالت اجتماعی» در کشور تحقق یابد و در این رابطه خوش بین هستیم (نشریه وحدت اسلامی، ۱۳۷۴۱). او می‌گفت: «اگر ملیتی حقوق خود را طلب کرده و خواستار عدالت باشد به معنی تجزیه نیست. این حق طبیعی مردم

است که خواستار حقوق خویش و عدالت باشد» (غفاری لعلی، ۱۳۷۳: ۴۵). و صریح و روشن می‌گفت: «خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است» (همان، ۴۵). تحقق «عدالت اجتماعی» برای شهید مزاری به اندازه‌ای مهم بود که به صراحت گفت، تا تحقق «عدالت اجتماعی» طبق موازین اسلامی، نباید سلاح‌ها بر زمین گذاشته شود (همان، ۴۵) و تا آخر هم سلاح بر زمین نگذاشت.

۳. مشارکت و سهم‌گیری در قدرت سیاسی

تأمین حقوق ملیت‌های محروم بدون مشارکت و سهم داشتن آن‌ها در قدرت امکان‌پذیر نیست، تحصیل حقوق ملیت‌های محروم رابطه ناگسستنی در مشارکت و سهم آنان در قدرت دارد و به همین جهت یکی از مهم‌ترین آرمان و اهداف رهبر شهید، مشارکت ملیت‌های محروم و سهم داشتن آنان در قدرت بود. رهبر شهید تأکید داشت، مردم تشیع ۲۵ در صد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند و باید در همه تصمیم‌گیری‌ها از جمله در تشکیل دولت، شورای قیادی و شورای جهادی، بر اساس بیست و پنج درصد سهم داشته باشند، باقی ملیت‌ها نیز به تناسب موجودیت ملی شان در قدرت سهم بگیرند و در غیر آن صورت این حکومت برای ما قابل قبول نیست (همان، ۱۱).

۴. توزیع عادلانه پست‌های کلیدی

انقلاب اسلامی افغانستان به وسیله مجاهدت مردم و مقاومت احزاب جهادی در برابر تجاوز ارتش سرخ به پیروزی رسید و احزاب به عنوان نمایندگان مردم در عرصه نظامی و سیاسی حضور داشتند. دبیر حزب وحدت اسلامی برای سهم‌گیری عادلانه ملیت‌ها در قدرت، خواهان تقسیم عادلانه پست‌های کلیدی به احزاب به تناسب حضور و نفوس شان بودند و می‌گفت: در ترکیب آینده قدرت باید یکی از پست‌های کلیدی کشور به حزب وحدت اسلامی به عنوان نماینده اصلی و قانونی شیعیان افغانستان تعلق بگیرد (همان، ۷۷) و وزارتخانه‌های دفاع، مالیه، خارجه، اطلاعات و کلتور

وزارتخانه‌های کلیدی قلمداد شده بود و می‌گفت: پست‌های کلیدی کشور به گونه‌ای توزیع شود که هیچ حزبی نتواند دو پست کلیدی را یکجا به خود اختصاص دهد (همان: ۲۲۳).

۵. ظهور دولت پایدار و جامع به توافق همه

از جمله اهداف و آرمان‌های شهید مزارى، ظهور دولت نیرومند، جامع، پایدار بود که با توافق همه احزاب، اقوام و ملیت‌های موجود در کشور تشکیل شود و آرزو داشت که در افغانستان حکومتی تشکیل شود که همه مردم با آن موافق باشند، حکومتی که مورد پذیرش و تأیید يك حزب یا يك قوم خاص باشد و حکومتی که چنین خصیصه را نداشته باشد از نظر آن شهید فقید مردود و فاقد اعتبار بود. رهبر شهید بارها در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌هایش به این مطلب اشاره و تأکید کرد که يك دولت قوی، جامع و پایدار با توافق همه در دوران عبور و حاکمیت دولت موقت روی کار بیاید؛ اما وقتی که انتخابات دایر می‌شود اول باید از کل نفوس افغانستان آمار گرفته شود (همان: ۲۵).

۶. حکومت فدرالی

حکومت فدرالی به عنوان يك راه حل مناسب و منطقی مورد تأکید رهبر شهید بود و او معتقد بود که افغانستان با پیش گرفتن سیستم فدرالی، می‌تواند از بحران نجات پیدا کند و به راه حل مطمئن برسد. او در مصاحبه با خبرنگار روزنامه رسالت گفت: ما قبلاً اعلام کرده‌ایم، اکنون با وضعیتی که در افغانستان و به ویژه در کابل وجود دارد تنها راه ثبات و به وجود آوردن مرکزیت، اعمال سیستم فدرالی است و ما آن را تنها راه حلی می‌دانیم که تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان را در پی دارد. رهبر شهید در مصاحبه با خبرنگار رسالت گفت: هم‌اکنون در افغانستان نظام فدرالی عملاً وجود دارد، در ولایات مختلف افغانستان حاکمیت‌های مختلف به وجود آمده است و ما معتقدیم دولت و حاکمیت در فدرالیسم معنی پیدا می‌کند. دولت فعلاً که چهار ماه از عمرش می‌گذرد هیچ ارتباطی با ولایات خود ندارد، این دیگر دولت نیست، این سیستم فدرالی است که توافق ولایات

مختلف را در مرکز هماهنگ می‌کند، توافقات ولایات باید بر يك سیستم خاص اعمال شود که آن هم فدرالی است (همان: ۳۷ و ۳۹).

۷. تشکیل اردو

اردو و قوای نظامی، مظهر قدرت و قوت است. اردوی نیرومند و متعهد، پاسدار حکومت و مدافع منافع حکومت و مردم است. شهید مزارى کسی بود که پس از پیروزی مجاهدین سخن از تشکیل اردوی اسلامی بر زبان آورد و این بر اساس ایمان و باور و پایه‌های اعتقادی و آموزه‌های دینی آن شهید نامدار بود. رهبر شهید در غرب کابل اعلام کرد: «شورای جهادی باید تصمیم بگیرد که آیا این نیروها باید در يك اردوی اسلامی شکل بگیرند» (همان: ۱۹).

۸. رسمیت مذهب جعفری

شهید مزارى با درك ستم قومی و مذهبی آرزو داشت که این ستم از افغانستان برداشته شود. مذهب جعفری در کنار مذهب حنفی رسمیت یابد، پیروان هر دو مذهب برادرانه در افغانستان زندگی کنند. رسمیت پیدا کردن مذهب جعفری یکی از اهداف و خواسته‌های به سایر مهم رهبر شهید بود و او با درك واقعیت‌های عینی افغانستان به صراحت می‌گفت: مسئله شیعه و سنی يك واقعیت خارجی است و امروز هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند.

او می‌گفت، در قانون اساسی، يك مذهب چه به رسمیت شناخته شود و چه شناخته نشود، پیروان آن مذهب از مکتب‌شان پیروی می‌کنند، در افغانستان اگر مذهب تشیع مثل برادران اهل تسنن رسمیت داشته باشد، يك سنی شیعه نمی‌شود. اگر هم رسمیت نداشته باشد، يك سنی شیعه نمی‌شود و این يك واقعیت هست و ما انتظار داریم بعد از چهارده سال جهاد مردم ما این شجاعت و شهامت را در دنیا اثبات کند و این مشکل جهان اسلام را در افغانستان حل بکنند و اعلام کنند که بین شیعه و سنی هیچ فرقی نیست یکی هستیم هر دو ما مراسم خود را رسمی انجام می‌دهیم تا این پرده‌ای را که استعمار ترسیم کرده از دست استعمار در

سطح بین‌المللی بگیریم، به جهت اختلاف شیعه و سنی انقلاب ما ضربه نخورد، لذا در صحبت‌هایی که داشتیم، هم آقای حکمتیار گفت این حق شما است، کسی نمی‌تواند حق شما را سلب کند و هم آقای ربانی و مسعود این مسئله را قبول کردند که این حق طبیعی شما است، جنبش هم در خط‌مشی خود اعلان کرده که این مسئله از نظر ما هیچ اشکال ندارد. ما معتقد هستیم مسئولین جهاد و مسئولین افغانستان درایت به خرج بدهند این مشکل و معضله که استعمار فوق‌العاده توانست تبلیغ بکند مسئولین افغانستان این مسئله را در افغانستان حل کنند و یک حکومت نمونه‌ای را در جهان اسلام مطرح کنند (همان: ۲۱۷ و ۲۱۸).

یکی از مهم‌ترین ایرادهای شهید مزاری بر قانون اساسی دولت آقای ربانی این بود که در آن رسمیت مذهب جعفری در کنار رسمیت مذهب حنفی نادیده گرفته شده بود. در رابطه با مسئله مذهب ما معتقدیم که هر که در این مسئله پافشاری می‌کند که مذهب رسمی باید مذهب حنفی باشد، مذهب جعفری که پیروانی زیادی در افغانستان دارد رسمیت نداشته باشد، این سخن ناصحیح و به دور از عدالت است.

لذا باید همان طوری که شیعه و سنی در این انقلاب شریک‌اند در تصمیم‌گیری آن شریک باشند و در دنیا اعلام و اثبات کنند که مسلمان‌ها بین خودشان هیچ اختلافی ندارند و از نظر اجرایی چندان مشکل نیست. بعد از نظر جهان اسلام ۱۳۹۴ نمونه‌هایی وجود دارد که در آنجا این مسائل را حل کرده‌اند، مثلاً در لبنان این مسئله را دارند، در ایران این مسئله حل شده و مشکل اجرایی برای کسی پیش نمی‌آید. در طول تاریخ افغانستان نه سنی شیعه شده نه شیعه سنی شده است و اگر مذهب یکدیگرشان را به رسمیت بشناسند شیعه شیعه است و سنی، سنی است. طبق فقه‌شان هم عمل می‌کنند، حال که آمده به فقه‌شان عمل می‌کنند. این دیگر ضرورت ندارد که در قانون اساسی این کش بیفتد که این رسمی باشد یا نباشد چه قبول شود یا نشود، هر کس فقهی را که دارد به آن عمل می‌کند، بدین جهت ما در این مسئله مشکل نداریم و توصیه ما به دوستان این است که امروز مشکلات افغانستان و مشکلات جهان اسلام بالاتر از این است که ما بیاییم خود

را محدود بکنیم به مسئله کشیدگی‌های مذهبی و کشیدگی‌های قومی و نژادی.

شهید مزاری برای رسمیت مذهب جعفری توافق مهم‌ترین احزاب افغانستان را که در عرصه سیاسی، نظامی حضور داشتند به دست آورده بود، چنان‌که در مصاحبه با خبرنگار تلویزیون پیام آزادی به ۲۹/۸/۱۳۷۲ به این مطلب اشاره کرده و گفت: آقای ربانی با ما توافق کرد که از نظر تنظیم جمعیت، فقه جعفری رسمیت دارد و در تدوین قانون اساسی هم از این موضوع جمعیت اسلامی حمایت کند، این توافقنامه را هم حزب اسلامی و هم جمعیت اسلامی داده است و جنبش ملی اسلامی رسماً در اساس‌نامه‌اش منعکس کرده است. منتهی این قانون اساسی که پیش آمد اصل آن غیرقانونی بود، لذا در دورانی که این مسئله قانون اساسی از طرف مردم تدوین شود، بینیم که آنجا با آن توافقاتی که دارند چگونه عمل خواهند کرد؟ (همان: ۲۶۷) ولی متأسفانه در قانون اساسی دولت آقای ربانی، رسمیت مذهب جعفری نادیده گرفته شد.

۹. تثبیت هویت و موقعیت سیاسی

یکی از اهداف شهید مزاری تثبیت هویت و موقعیت سیاسی مردمش بود و می‌گفت: اگر در افغانستان هویت پیدا نکنیم و موقعیت سیاسی خود را تثبیت نکنیم، کسی برای ما ارزشی قائل نمی‌شود. او می‌گفت: تثبیت هویت و موقعیت سیاسی یک ضرورت است که اگر کوچک‌ترین غفلت بشود باز اسارت سه صدساله تکرار می‌شود. او می‌گفت، سه صد سال دوران تاریخ می‌خواهد تا بتوانیم چهارده سال جهاد کنیم و یک ابرقدرت را شکست بدهیم و دنیا روی ما حساب بکند (دولت‌آبادی، ۱۳۸۵: ۳۳).

۱۰. تقسیمات واحدهای اداری بر اساس نفوس

یکی از اهداف و خواسته‌های شهید مزاری تقسیمات واحدهای اداری بر اساس نفوس بود، همان چیزی که در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ آمده است. شهید مزاری در این رابطه می‌گفت: قدرتی که در رأس حکومت است تعیین

کننده است. یعنی صرف از مردم يك مشروعیت درست می‌کنند... ما در زمان ظاهر شاه چهار دوره رأی‌گیری داشتیم. وکیل در پارلمان می‌آمد، از تمام هزاره‌جات که هر ولسوالی اش یک صد و شصت هزار نفر داشت سی نفر وکیل می‌آمدند و از جنوبی و مشرقی که نفوس هر ولسوالی اش پانزده هزار نفر بود يك وکیل می‌آمد. دو هزار و هشت صد نفر هم يك وکیل داشتند یک بار که روی موضوعی که در پارلمان طرح شد و فارسی زبان‌ها یکجا شدند اکثریت را در پارلمان تشکیل دادند، ولی بلافاصله در دوره دوم هرچه علاقه‌داری بود به ولسوالی تبدیل شد. اینجاست که باید دقت کرد... اگر در اینجا غفلت شود باز همان مسئله ولسوالی، علاقه‌داری و ولایات را جور می‌کنند که من يك نمونه آن را برای شما ذکر می‌کنم. در منطقه دره صوف که يك ولسوالی است قبل از انقلاب در زمان ظاهر چهل و سه هزار نفوس داشت. ولایتش که مرکز بود هیجده هزار نفر نفوس داشت. آن وقت يك نماینده از ولایت می‌آمد و يك نماینده از ولسوالی. در کنار این چهل و سه هزار نفر نفوس يك ولسوالی دیگر از برادران اهل تسنن بود که دوازده هزار باشند داشت. پس دوازده هزار هم يك رأی داشت و چهل و سه هزار هم يك رأی. بدین لحاظ این مسئله اگر درست نشود، مسئله مشکلی است (همان: ۳۷ و ۳۷).

۱۱. تأمین حقوق ملیت‌های محروم به تناسب نفوس

حق‌کشی و پامال نمودن، حقوق مسلم انسان‌ها با هیچ منطقی سازگاری ندارد؛ ولی متأسفانه در کشور ما همواره حقوق ملیت‌های محروم پامال شده است و شهید مزاری از دورانی که مبارزه را آغاز کرد متوجه بود که باید نظام جور و استبداد و تبعیض در کشور تغییر یابد و در سیستم حکومتی و ساختار سیاسی افغانستان تحول بنیادی پدید آید که در آن حقوق ملیت‌های محروم تأمین و تضمین شود. از مصاحبه‌ها و گفته‌های رهبر شهید به خوبی به دست می‌آید که تأمین حقوق ملیت‌های محروم کشور به تناسب نفوس از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های آن رهبر فقید بود، او همواره تأکید می‌کرد که قومیت‌ها و ملیت‌های ساکن کشور به میزان نفوسی که

دارند، سهم و مشارکت در حکومت داشته باشند. برای دستیابی به این هدف و آرمان نفوس شماری را پیش از انتخابات ضروری می‌دانست و بر آن پافشاری می‌کرد، علتش هم روشن بود؛ چون سهم‌گیری عادلانه ملیت‌ها و قومیت‌های محروم در حکومت زمانی عادلانه خواهد بود که نفوس شماری انجام بگیرد، آمار نفوس کشور معلوم بشود تا حقی پامال نشود، هیچ اقلیتی از سهم داشتن در قدرت محروم نماند.

شهید مزاری در مصاحبه با خبرنگاری بی‌سی در سال ۱۳۷۱/۴/۱۹ گفت، مردم افغانستان چهارده سال مبارزه کردند و همه در این مبارزه شریک بودند، ما حقوق همه مردم افغانستان را طبق نفوس و به تناسب حضورشان در صحنه‌های جهاد می‌خواهیم و همه مردم هم مسلح‌اند و این موضع قوی و نیروی نظامی خودشان تضمین‌کننده این مسئله است که تا توافق همه ملیت‌ها گرفته نشود يك دولت پایدار در افغانستان به وجود نمی‌آید تا بتواند حق کسی را ضایع کند... حزب وحدت اسلامی نیز يك نیروی منظم جهادی دارد و از یک چهارم مردم افغانستان نمایندگی می‌کند و حقوق آن‌ها را می‌طلبد، مردم غرب و هرات نیروی مسلح جهادی دارند و امروز منطقه خود را اداره می‌کنند. همه این مناطق که هم مردم مسلح‌اند و هم در جهاد سهم داشته‌اند باید در نظر گرفته شوند و با توافق همه، يك دولت قوی، جامع و پایدار روی کار بیاید. این مسئله در دوران عبور و حاکمیت دولت موقت است؛ اما وقتی که انتخابات دایر می‌شود باز باید اول از کل نفوس افغانستان آمار گرفته شود و سرشماری شود و این سرشماری هم زیر نظر سازمان ملل صورت گیرد، آنگاه انتخابات زیر نظر سازمان ملل برگزار شود و هر ملیتی به تناسب واقعیت وجودی و حضور خود در این کشور در سرنوشت سیاسی خود سهم بگیرد و این مربوط به يك ملیت خاصی نیست چون ملیت‌های مختلف در این کشور وجود دارند. ما می‌خواهیم همه ملیت‌ها همان‌گونه که در جهاد سهم داشتند، شهید دادند و آواره شدند باید در آینده این مملکت هم سهم داشته باشند (غفاری لعلی، ۱۳۷۳: ۲۵). رهبر فقید شیعیان افغانستان به مناسبت‌های مختلف در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و دیدارهای مردمی خویش بر تأمین حقوق

نتیجه‌گیری

اهداف و آرمان‌های شهید مزاری براساس باور و جهان بینی الهی او در عرصه نظامی و سیاسی افغانستان تبلور پیدا کرد. مهم‌ترین هدف و آرمان او شکل‌گیری ساختار دینی، تحقق عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه قدرت و سهم‌گیری اقوام و ملیت‌ها به تناسب نفوس در قدرت، شکل‌گیری واحدهای اداری به میزان نفوس، رسمیت یافتن مذهب جعفری در کنار مذهب حنفی بود که متأسفانه در اثر عدم واقع‌بینی احزاب جهادی این اهداف و آرمان‌ها تحقق نیافتند، نام زیبای جهاد در ارزش‌زاده‌خواهی‌ها و تبعیض و ستم لکه دار شد و سرانجام پدیده ظهور طالبان، افغانستان را در کام مرگ و سیاهی فرو بردند. خورشید عدالت خواهی در زیر تازیانه‌های قساوت و کینه فاشیسم سرنگون و چشم فرو بست.

ملیت‌ها به تناسب نفوس و ضرورت نفوس شماری در کشور پیش از برگزاری انتخابات تأکید و اصرار داشت (همان: ۷). او می‌گفت: اگر واحدهای اداری براساس معیار نفوس نباشد، باعث بروز مشکلات زیادی می‌شود. او می‌گفت: اگر جمعیت افغانستان را بیست و یک میلیون حساب کنیم و ثلث آن که هفت میلیون می‌شود متعلق به ما است. اما با همین هفت میلیون یک ولایت به نام مردم هزاره نیست. ما که ثلث مردم افغانستان را تشکیل می‌دهیم از سی ولایت یک ولایت در اختیار ما نیست، این در کجای عدالت و در کجای قانون است؟ به همین جهت ما معتقدیم برادرانی که دلشان به سرنوشت آینده‌شان می‌سوزند و به آینده خود فکر می‌کنند باید در حکومت عبوری حقوق ملیت‌ها را تثبیت کنند و بعد به توافق هم قانون بسازند.

۱۲. تدوین قانون اساسی به وسیله نمایندگان مردم

یکی از خواسته‌های شهید مزاری این بود که قانون اساسی به وسیله نمایندگان و افراد منتخب مردم تدوین و تسوید شود، او معتقد بود که یک قانون، زمانی قانون است که پیش نویس و تدوین آن توسط نمایندگان تمامی مردم صورت گرفته باشد و بعد کلیه مردم نیز به آن رأی داده باشند (همان: ۳۸ و ۳۹) و در مورد تسوید کمیسیون قانون اساسی می‌گفت: تشکیل ۱۳۹۴ این‌گونه کمیسیون‌ها، وظیفه شورای عالی نظارت بردولت است. باید شورا تشکیل شود و آن‌ها در این زمینه تصمیم بگیرند (خبرنامه وحدت، ۱۳۷۱) و او در پاسخ به سؤال خبرنگار فرانس پرس گفت: تصویب قانون اساسی کار شورای منتخب قانون سازی است که در نتیجه انتخابات تشکیل می‌شود و نه هیچ مقام و جمع دیگر. از طرف دیگر براساس آیین‌نامه شورای عالی نظارت بردولت مصوب رهبران جهادی در جلال‌آباد در مسائل مهم و حیاتی کشور، تنها شورای عالی می‌تواند تصمیم بگیرد و تشکیل این کمیسیون نیز در صلاحیت شورای عالی می‌تواند باشد و نه رئیس جمهوری و یا کس دیگر (غفاری لعلی، ۱۳۷۳: ۲۳۹ و ۲۴۰).

منابع

۱. خبرنامه وحدت شماره (۸۷) یکشنبه، ۱۳/۱۰/۱۳۷۱- کابل.
۲. دولت‌آبادی، بصیر احمد (۱۳۸۵)، هزاره‌ها از قتل عام تا احیای هویت، قم: ابتکار دانش.
۳. سایت مؤسسه فرهنگی بشارت. <http://www.bsharat.com/id/mazari> زندگینامه رهبر.
۴. غفاری لعلی، عبدالله (۱۳۷۳)، فریاد عدالت (مجموعه مصاحبه‌های استاد مزاری)، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی و آموزشی شهید سجادی.
۵. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (۱۳۷۴)، احیای هویت: مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید، قم: سراج.
۶. نشریه وحدت اسلامی پیش شماره ۴/۴/۱۳۷۱ هـ ش ۲۳- ذی حجه ۱۴۱۲، کابل.